

نگاهی به روانشناسی اسلامی با توجه به اندیشه‌های امام خمینی

□ دکتر مهرداد کلانتری - ملیحه رضانی

مقدمه

در دهه‌های اخیر، گرایش به سوی تحقیقات کیفی در روانشناسی افزایش یافته است. یکی از این نمونه‌ها گرایش به «معنویت» Spiritualism و «روانشناسی دین» Psychology of religion است (وست West، ۱۳۸۳، هالامی Hallahmi و آرگایل Argyle، ۱۹۹۷)، اگر چه معنویت در دیدگاه اسلامی و غربی تفاوت‌های بنیادین دارند. با وجود این، در نظام روانشناسی غربی بحث روانشناسی دین، جایگاه ویژه‌ای دارد (ولف Wulff، ۱۹۹۸). تردیدها و شبهه افکنی‌ها دربارهٔ هویت روانشناسی اسلامی، در کتاب فقدان برنامه‌ریزی منسجم و پیگیر، موجب شده است که اکثر روانشناسان در کشور ما، به ترجمه و تدریس روانشناسی غربی بسنده کنند و در نظام حوزوی نیز نسبت به علم روانشناسی با شک و تردید برخورد شود.

یکی از قلمروهایی که امکان نظریه‌پردازی در آن وجود دارد، روانشناسی اسلامی است. روانشناسی اسلامی، به معنی باز شدن افق جدیدی در قلمرو روانشناسی جهانی است. چنین افقی به یمن وسعت اندیشهٔ توحیدی، می‌تواند نگاهی جامع‌تر و فراگیرتر به انسان به عنوان موضوع این علم داشته باشد. روانشناسی اسلامی می‌تواند با در نظر گرفتن آخرین یافته‌های علم روانشناسی و با



بهره‌گیری از میراث عمیق فرهنگ اسلامی، به بومی کردن علم روانشناسی در جوامع اسلامی پردازد و میزان اثر بخشی این علم را در جوامع اسلامی افزایش دهد (کیم Kim و بری Berry، ۱۳۸۲). از این رو باید توجه داشت که منظور از روانشناسی اسلامی، نه تحمیل علم روز به اسلام و نه تحمیل اسلام به علم روز روانشناسی است، منظور این است که در متون معتبر فرهنگ اسلامی، شواهد متعدد روانشناختی مبنی بر توجه دین مبین اسلام به مسائل روانشناسی وجود دارد. نگاهی گذرا به واژه‌ها، مفاهیم، آیات، روایات، مباحث فقهی مربوط به خانواده و نظریات اندیشمندان اسلامی این واقعیت را به خوبی نشان خواهد داد (بدری، ۲۰۰۶). تدبر و تعمق بیشتر در این گونه شواهد، آشکار خواهد کرد که امکان نظریه‌پردازی در روانشناسی اسلامی وجود دارد و تبیین مبانی نظری پیش نیاز تجربی شدن و کاربردی شدن روانشناسی اسلامی است.

همان‌طور که مطرح شد از نخستین گام‌ها در جهت تحقق روانشناسی اسلامی، توجه به مبانی نظری با استفاده از نظریات اسلام‌شناسان برجسته است. به همین منظور در این مقاله تلاش شده است تا مبانی نظری روانشناسی اسلامی از دیدگاه امام خمینی بررسی شود.

روانشناسی یکی از شاخه‌های علوم اسلامی است که سرچشمه اصلی آن دانشگاه‌های غربی می‌باشد و به بحث و بررسی درباره جنبه‌های مختلف رفتار، عواطف و افکار انسان و تأثیر متقابل آنها روی یکدیگر می‌پردازد. آمار بسیاری از مشکلات روانی مانند طلاق، اعتیاد، انحرافات جنسی، افسردگی، خودکشی، بزهکاری و غیره در سطح کشورهای صنعتی در حال افزایش است (دیویسون Davison و نیل Neale، ۲۰۰۱، سادوک و سادوک Sadock، ۱۳۸۲). الگوهای کنونی روانشناسی، در مهار بسیاری از مشکلات روانی و اجتماعی، ناتوان مانده‌اند یا موفقیت اندکی را گزارش کرده‌اند. طرح بحث روانشناسی اسلامی، می‌تواند افق جدیدی را در روانشناسی معاصر بگشاید که براساس آن بتوان به برخی از مسائل لاینحل روانی، از زاویه جدیدی نگاه کرد.

الگوهای رایج روانشناسی اگرچه کمک زیادی به درک رفتار انسان کرده‌اند، اما هر کدام دارای محدودیت‌های خاص خود هستند. دیدگاه رفتاری صرفاً روی رفتار قابل مشاهده تکیه می‌کند و سایر ابعاد وجودی انسان را نادیده می‌گیرد. دیدگاه روان‌پویایی صرفاً روی عوامل

ناخودآگاه تکیه می‌کند و به عوامل محیطی توجهی نمی‌کند. دیدگاه زیستی نیز عمدتاً به جنبه‌های جسمانی مانند عوامل کروموزومی، بیوشیمیایی و مغزی می‌پردازد. علت این محدودیت، ناشی از محدودیت مبانی نظری است که هر کدام از این الگوها براساس آن شکل گرفته‌اند. بنابراین در نظریه‌پردازی روانشناسی اسلامی نیازمند مبانی نظری جدیدی مبتنی بر معارف اسلامی هستیم تا بتوان بر مبنای آن نظریه روانشناسی جدیدی را بنا کرد.

افزون بر آن هر کدام از مکاتب روانشناسی، تعریف خاص خود را از این علم ارائه داده‌اند و بین روانشناسان توافق بر سر تعریف جامع و مانعی از علم روانشناسی وجود ندارد (آتکینسون و همکاران ۱۳۸۲). روانشناسان معمولاً تعریفی از علم ارائه نمی‌دهند. اما در زیربنای دیدگاه فلسفی آنها، تعریف خاصی از علم نهفته است. به طوری که برخی عینی بودن را ملاک علمی بودن تلقی می‌کنند. برخی قابل تجربه بودن را ملاک علمی بودن می‌دانند. مکاتب فلسفی مادی‌گرا تعریفی از علم ارائه می‌دهند که در تقابل با دین است. براین اساس یکی از شبهه‌هایی که از جانب مخالفان اسلامی شدن روانشناسی مطرح می‌شود این است که روانشناسی یک علم Science است و به این دلیل نیازی به اسلامی شدن ندارد. در حالی که نویسندگان این مقاله بر این باورند که روانشناسی یکی از شاخه‌های علوم انسانی است و رابطه‌ای تنگاتنگ با دین و فرهنگ دارد و اسلامی شدن آن در جوامع اسلامی یک ضرورت است.

دین

روانشناسان، در قبال دین موضع‌های متفاوتی اتخاذ کرده‌اند. برخی مانند فروید، دین را مانع رشد و تعالی انسان دانسته‌اند (الیاده، ۱۳۷۵) برخی همانند رفتارگرایان، اگرچه سخنی درباره دین نگفته‌اند، اما عملاً موضعی ماده‌گرایانه اتخاذ کرده و دین را از گردونه مطالعات خود خارج کرده‌اند. البته روانشناسانی مانند یونگ، ویلیام جیمز، آلپورت، و مزلو نظر مساعدی درباره رابطه دین و روان داشته‌اند (ولف، ۱۹۹۸). اما به نظر می‌رسد صدای آنها در فضای ضد دینی غالب ناشنوده مانده است. می‌توان تعریفی از دین ارائه کرد که با حقیقت روان انسان سازگار باشد؛ اما در عین

□ روانشناسی اسلامی به معنی باز شدن افق جدیدی در قلمرو روانشناسی جهانی است

□ روانشناسی یکی از شاخه‌های علوم انسانی است و رابطه‌ای تنگاتنگ با دین و فرهنگ

دارد

حال می‌توان دین را به عنوان یک حقیقت برتر معرفی کرد که گم‌شده انسان را به او باز می‌نماید. در اندیشه امام خمینی، دین یکی از مهمترین نیازهای روانی بشر امروزی است و احیاگری اندیشه دینی بزرگترین رسالت هر دانشمند دین‌ورز در هر رشته‌ای است. امام خمینی، به طبقه روشنفکر توصیه کرده‌اند که در هر شغلی که هستید کوشش کنید با وحدت کلمه و با کنار گذاشتن اختلافات، مذهب را صاحب نقش کنید (صحیفه امام، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۲۱۲).

به نظر امام خمینی اگر انسان مانند حیوانات و در همان حد رشد می‌کرد، نیازی به دین نبود. انسان مراتب فوق حیوانی و مافوق عقل دارد و تربیت انسان به همه ابعاد جسمی و روحی و عقلی و مافوق آن، نمی‌تواند در عهده بشر باشد. زیرا بشر از تمامی احتیاجات نوع انسان اطلاع ندارد. از این رو نیاز به دین، برای انسان حقیقتی انکارناپذیر است که در پرتو آن، ابعاد کشف نشده وجود انسان آشکار می‌شود (صحیفه امام، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۱۸۶).

امام خمینی، در زمینه گرایش‌های مذهبی انسان فرموده‌اند «دلیل گرایش بشر به مذهب بخاطر احساس پوچی نگران‌کننده‌ای است که نسل امروز و فرار کرده از مذهب احساس می‌کند و از این رو مذهب را تنها پناهگاه خود می‌یابد. دلیل دیگر آن این است که بشریت از مکاتب رایج زمان برای حل مشکل خود در زمینه‌های مختلف زندگی، مأیوس شده است» (صحیفه امام، ۱۳۷۹، ج ۵، ص ۱۸۸).

در ضمن باید توجه داشت که مفهوم مذهب در اندیشه امام خمینی، با مفهوم آن در فرهنگ‌های دیگر متفاوت است. برخلاف بعضی فرهنگ‌ها که تعریفی محدود از مذهب ارائه کرده‌اند، امام خمینی، مفهومی جامع و فراگیر از مذهب ارائه نموده‌اند که همه ابعاد زندگی فردی، اجتماعی، خانوادگی و تمامی مراحل زندگی انسان را در بر می‌گیرد. (صحیفه امام، ۱۳۷۹، جلد ۵، ص ۳۸۹)

در عین حال باید توجه کرد که برخی مذهب را مخدر جامعه معرفی کرده‌اند تا بتوانند به مقاصد خود دست یابند و استقلال و آزادی را از جوامع بشری سلب کنند (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۲۶-۲۲۵). بنابراین می‌توان گفت دین در اندیشه امام خمینی بزرگترین ودیعه الهی به بشر است که موجب سعادت انسان می‌شود و نه تنها هیچگونه تقابلی با حقیقت روان آدمی ندارد، بلکه می‌توان آن را به عنوان یکی از مهمترین نیازهای روانی انسان تلقی کرد.

اسلام

هنگامی که از روانشناسی اسلامی سخن گفته می‌شود، باید منظور از اسلام «اسلام» روشن باشد. همان‌طور که در مورد دین وجود داشت، در مورد اسلام نیز می‌تواند وجود داشته باشد. اگر اسلام به عنوانی دینی محدود به حوزه‌های علمیه معرفی شود، دیگر جایی برای روانشناسی اسلامی نخواهد بود. اگر اسلام محدود به آخرت شود، نیازی به روانشناسی اسلامی نمی‌باشد. اگر اسلام جدای از علم تعریف شود، راه رسیدن به روانشناسی اسلامی، مسدود می‌شود. امام خمینی، مفهومی وسیع و جامع از اسلام ارائه کردند که همه جنبه‌های فردی، اجتماعی، روانی و عاطفی انسان را در بر می‌گیرد. به عنوان مثال در مورد تفاوت اسلام و مسیحیت فرموده‌اند، گمان نشود اسلام مانند مسیحیت فقط به یک رابطه معنوی بین افراد و خداوند توجه دارد. (صحیفه امام، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۳).

امام خمینی اظهار امیدواری کرده‌اند که به کمک دانشمندان روشن ضمیر، مزایای مکتب نجات بخش اسلام که کفیل سعادت همه جانبه بشر و مربی نفوس و مکمل نقیصه‌های نفسانی و



□ «انسان مراتب مافوق حیوانی و مافوق عقل دارد و تربیت انسان به همه ابعاد جسمی و روحی و عقلی و مافوق آن نمی‌تواند در عهده بشر باشد»

□ انسان دو جنبه دارد؛ یکی جنبه معنوی، دیگری جنبه ظاهری و مادی. اگر این دو جنبه با هم جمع بشود، یک انسان به تمام معنا بوجود خواهد آمد

روحانی و راهنمای زندگی انسان است، برای عموم بیان شود. به نظر ایشان، با عرضه اسلام، آن طور که هست و اصلاح ابهام‌ها و کج‌روی‌ها و انحراف‌ها، نفوس سالم بشری که از فطرت الهی منحرف نشده و دستخوش غرض‌های باطل و هوا و هوس نگردیده‌اند، به آن روی خواهند آورد و از آن بهره‌مند خواهند شد (صحیفه امام، ج ۳، ص ۲۰۷).

به نظر امام خمینی اسلام، جامع تمام جهات مادی و معنوی و غیبی و ظاهری است (صحیفه امام، ج ۳، ص ۲۳۰) و به همه ابعاد وجودی انسان توجه دارد. هم انسان را از نظر عقل می‌سازد هم از نظر اخلاق و هم از نظر ظاهر و آداب ظاهری و در مجموع، در همه اموری که انسان به آن نیاز دارد، اسلام توجه دارد (صحیفه امام، ج ۴، ص ۴۴۹). از دیدگاه امام خمینی اسلام مکتب تهذیب و آدم‌سازی است. اسلام انسان را می‌سازد. همان که ابر قدرت‌ها از آن می‌ترسند و اسلام را می‌کوبند چون مکتب انسان‌سازی است (صحیفه امام، ۱۳۷۹، ج ۶، ص ۷۹ - ۲۷۸). اسلام یک مکتب مادی نیست، یک مکتب مادی معنوی است. مادیت را کنار معنویت قبول دارد (صحیفه امام، ۱۳۷۹، ج ۷، ص ۳۲ - ۵۳۱). دیگر این که اسلام مکتب تحرک است، تحرک از طبیعت به غیب، تحرک از مادیت به معنویت. (صحیفه امام، ۱۳۷۹، ج ۸، ص ۲۹۱).

به نظر امام خمینی مکتب‌های دیگر، مکتب‌های ناقصی هستند و حدودشان در همان دیدی است که دارند، در حالی که مکتب اسلام دیدش وسیع‌تر از سایر مکاتب است (صحیفه امام، ج ۸، ص ۱۶-۴۱۵). و در عین حال که به مادیات توجه می‌کند، مقصدش این است که مادیات حجابی برای معنویات نباشند بلکه مادیات در خدمت معنویات باشند. در عین حال که اسلام نسبت به مادیات نظر دارد، نسبت به زندگی دنیا نیز نظر دارد و مردم را متوجه معنویات نیز می‌کند و از ظلمت ماده نجات می‌دهد. به نظر امام خمینی، در صورتی که تمام توجه به مادیات باشد، ظلمت بوجود می‌آید (صحیفه امام، ۱۳۷۹، ج ۹، ص ۸۹ - ۲۸۸). منظور امام خمینی^(س) این است که اسلام با تمام محتوایی که دارد و آن محتوا میوه شیرینی است، هر کس آن را بچشد، به لذات ابدی می‌رسد (صحیفه امام، ۱۳۷۹، ج ۹، ص ۳۲۸).

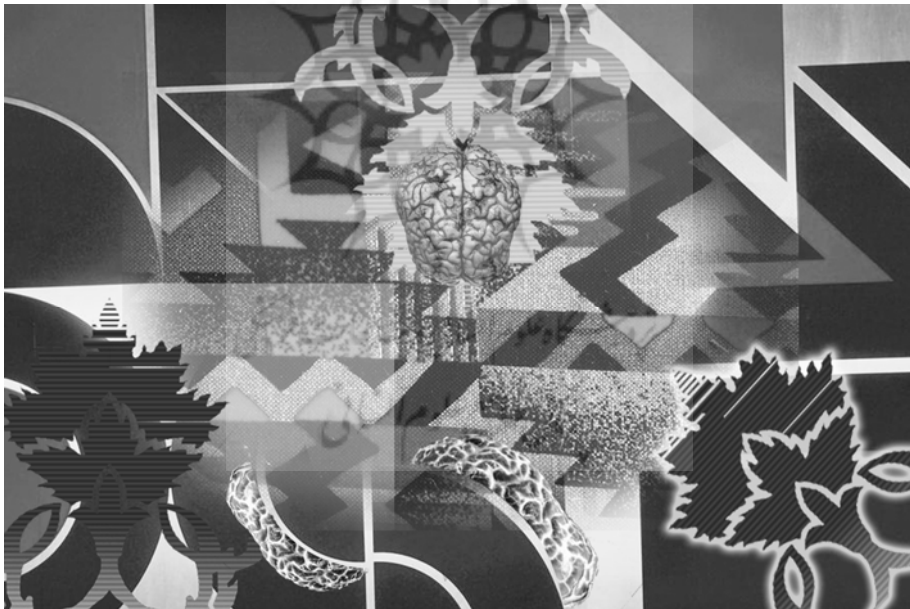
به نظر امام خمینی اسلام مترقی‌ترین مکتب است (صحیفه امام، ج ۹، ص ۳۰۵) از اسلام برداشت‌های مختلفی می‌شود، بر حسب عواملی که در برداشت کننده موجود است. به نظر ایشان انسان‌ها مختلفند در دید و به واسطه اختلاف در دید، اختلاف در برداشت هم می‌شود. از انسان کامل که گذشت تمام دیدهایی که در انسان هست همه محدود است. محدود نمی‌تواند غیر محدود را در حیطه بیاورد. دیگران بر حسب مراتب وجود و کمالشان برداشت‌هایی دارند، اما محدود است (صحیفه امام، ۱۳۷۹، ج ۱۲، ص ۲۱ - ۴۳۰) امام خمینی معتقدند اسلام یک ودیعه‌ی الهی برای تربیت افراد و برای خدمت است و حفظ آن برای همه واجب عینی است (صحیفه امام، ۱۳۷۹، ج ۱۵، ص ۳۶۵). اسلام به نظر امام خمینی مکتبی است که برخلاف مکتب‌های غیر توحیدی، در تمام شئون فردی و اجتماعی و مادی و معنوی دخالت و نظارت دارد و از هیچ نکته ولو بسیار ناچیز که در تربیت انسان و جامعه و پیشرفت مادی و معنوی نقش دارد، فروگذار ننموده است و موانع و مشکلات سر راه تکامل را در اجتماع و فرد گوشزد نموده و به رفع آنها کوشیده است و بر جمیع مسلمانان واجب است این امانت الهی را با تمام توان حفظ کرده و در راه ایجاد مقتضیات بقای آن و دفع موانع و مشکلات آن کوشش نمایند (صحیفه امام، ۱۳۷۹، ج ۲۱، ص ۳-۴۰۲).



اسلام و روانشناسی

به نظر امام خمینی، اسلام به تمام شئون انسان از پایین‌ترین مرتبه تا بالاترین درجه سر و کار داشته، و برای آنچه در رشد معنوی انسان مؤثر است، احکام دارد. برای معاشرت احکام دارد، برای رابطه‌ی با همسر با فرزند با همسایه و سایر افراد جامعه احکام دارد. برای تمام مراحل زندگی، از قبل از تولد تا بعد از مرگ احکام دارد (صحیفه امام، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۲۰-۲۱۹).

در جای دیگر فرموده‌اند: اسلام در باب ساختن از حیث معنویات کار دارد، در زمینه، اعتقادات، اخلاق، رفتار حتی در داخل خانه با شما کار دارد. می‌گوید چگونه باید باشید، اخلاق چه جور باشد، ادراک عقلیت چه جور باشد، رفتار با اعضای خانواده و سایر افراد جامعه چگونه باید باشد، برای تمام اینها اسلام آداب و نظر دارد (صحیفه امام، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۴۵۰).



انسان

موضوع علم روانشناسی انسان است. هر مکتبی در روانشناسی نگاه ویژه‌ی خود را نسبت به انسان دارد. هر کدام از مکاتب روانشناسی، به جنبه‌های روانی انسان توجه کرده و سایر جنبه‌ها را نادیده گرفته‌اند. اسلام کاملترین دید را نسبت به انسان دارد. سیمای انسان در اسلام، در آثار امام خمینی بخوبی منعکس شده و یکی از مبانی روانشناسی اسلامی محسوب می‌شود. در زیر به برخی از ویژگی‌های انسان از دیدگاه امام خمینی^(س) اشاره می‌شود.

۱- انسان از دیدگاه اسلام، آزاد آفریده شده است (صحیفه امام، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۱۷۶).

۲- انسان قابلیت تربیت و تکامل به مراتب مافوق طبیعت را دارد (صحیفه امام، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۱۷۶).

۳- انسان هم از جهت سعادت و هم از جهت شقاوت، نامحدود است، تا آنجایی می‌تواند برسد که تمام صفاتش الهی شود یعنی نظر که می‌کند نظر الهی باشد، دستش را دراز می‌کند دست الهی باشد، دست، دست خدا باشد (سوره انفال، آیه ۱۷)، در طرف نقص و شقاوت نامحدود است (صحیفه امام، ۱۳۷۹، ج ۵، ص ۳۶۸).

۴- انسان دو جنبه دارد: یکی جنبه مادی، دیگری جنبه ظاهری و مادی اگر این دو جنبه با هم جمع بشوند، یک انسان به تمام معنا به وجود خواهد آمد (صحیفه امام، ج ۸، ص ۲۲۲).

۵- اگر برای هر علمی موضوعی است، برای دین اسلام نیز موضوع همان سوره‌ای است که در ابتدا بر پیامبر اکرم (ص) وارد شد. از این رو موضوع تمام ادیان انسان است. آمده‌اند این موجود طبیعی را از مرتبه طبیعت، به مرتبه مافوق طبیعت برسانند (صحیفه امام، ۱۳۷۹، ج ۸، ص ۳۲۴).

۶- همه عالم سرگردانند، نمی‌دانند قضایا چیست. اینهایی که ادعای انسان شناسی و اسلام شناسی می‌کنند، ادعاست. افراد خیال می‌کنند انسان را شناخته‌اند و اسلام را شناخته‌اند. انسان را به معنی حقیقی انسان، به آن معنایی که انسان است، جز ذات مقدس و حق و آنهایی که ملهمند به الهام او، کسی نمی‌شناسد (صحیفه امام، ۱۳۷۹، ج ۸، ص ۳۲۶).

۷- انسان مانند حیوان نیست که احتیاجاتش تنها به خوردن و خوابیدن باشد. انسان موجودی



است که خدای متعال او را خلق کرده است، بالقوه با توجه به جهاتی که در عالم هست. این جهات به طور استعداد در انسان نیز هست و این استعدادها، باید فعلیت پیدا بکند (صحیفه امام، ۱۳۷۹، ج ۸، ص ۴۱۲ - ۴۱۱).

۸- خداوند می خواهد انسان را اسفل السافلین به اعلی علیین بکشانند. چنین چیزی در غیر از رژیم های انبیاء مطرح نیست، آنها کاری ندارند به اینکه مردم الهی بشوند، کاری که به حکومتشان ضرر بزند نکنند، هر کار دیگری که می خواهند بکنند در حالی که انبیاء به شما کار دارند، همیشه و در همه جا، آنها می خواهند انسان را تربیت کنند که خلوت و جلوتش فرقی با هم نداشته باشد (صحیفه امام، ۱۳۷۹، ج ۸، ص ۱۶).

۹- انسان با روح، انسان است. با بصیرت، انسان است. اگر بصیرت داشته باشید، انسانید. ابوجهل چشم داشت، اما انسان نبود، زیرا بصیرت نداشت. بعضی از انبیا هم چشم نداشتند و نبی بودند. میزان در انسانیت معنویت انسان است (صحیفه امام، ۱۳۷۹، ج ۸، ص ۴۶۲).

۱۰- بر حسب تمام اموری که در خارج هست، خداوند روزه ای نیز در انسان قرار داده است. چشم، دیدنی ها را می بیند، گوش، شنیدنی ها را می شنود و عقل، ما فوق طبیعت را می تواند درک کند. انسان از طریق این روزه ها، می تواند کسب فضیلت کند و احیاناً از طریق همین روزه ها، فساد در باطن انسان بوجود می آید. در عین حال، یک انسان از این راه ها فضایل را و مصالح یک جامعه را ادراک می کند و بازده می دهد (صحیفه امام، ۱۳۷۹، ج ۹، ص ۱۵۳).

۱۱- انسان بی نهایت است. انسان مردنی نیست. انسان تا آخر هست. برنامه اسلام این است که این انسان را به گونه ای بسازد که هم اینجا صحیح باشد و هم آنجا (صحیفه امام، ۱۳۷۹، ج ۹، ص ۱۵۳).

۱۲- در اسلام همه امور مقدمه انسان سازی است. اگر رها کنند این موجود را، تمام عالم را به تباهی می کشد (صحیفه امام، ۱۳۷۹، ج ۱۳۸، ص ۱۷۲).

۱۳- عظمت انسان، به روح انسان است، به اخلاق و رفتار انسان است، به امور ظاهری و مادی و تجملات نیست. اینها عظمت انسان نیست، توجه به این امور انسان را منحط می کند از آن مقامی که دارد (صحیفه امام، ۱۳۷۹، ج ۸۸، ص ۴۸۷).

۱۴- وضع روحی انسان به گونه‌ای است که به محض اینکه استغنائی پیدا می‌کند، طغیان می‌کند. اگر استغنائی مالی پیدا کند، بر حسب همان مقدار، طغیان می‌کند. اگر استغنائی علمی پیدا کند، به همان مقدار، طغیان پیدا می‌کند، به مقدارى که مقام پیدا کرده است، طغیان می‌کند. انگیزهٔ بعثت این است که ما را از این طغیان‌ها نجات دهد و ما تزکیه کنیم خودمان را، و نفوس خودمان را از این ظلمت نجات بدهیم. (صحیفهٔ امام، ۱۳۷۹، ج ۱۴، ص ۳۹۰)

۱۵- بشر انحصار طلب است. کمال مطلق را می‌خواهد که خودش داشته باشد. (صحیفهٔ امام، ۱۳۷۹، ج ۱۴، ص ۶-۲۰۵)

۱۶- ارزش انسان، به این است که توجه بکند که چه باید بکند در برابر خدا و بندگان خدا، چه تکلیفی دارد در برابر خدا و در برابر بندگان خدا. (صحیفهٔ امام، ۱۳۷۹، ج ۱۶، ص ۴۵۰)

۱۷- انسان است که برای غضب و شهوتش پایان نیست و حرص و طمعش را هیچ چیز فرو نشانند. انسان است که جمع‌آوری او معلوم نیست روی چه اساس و پایه است و پس از جمع کردن، حرصش بیشتر می‌شود. پس انسان سرخود، از حیوانات پست‌تر است. خود راه خود را نمی‌داند و دیوانه وار دنبال مقاصد باطله می‌رود و آتش طلبش خاموش نمی‌شود. (شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۱۱-۱۰)

۱۸- انسان تنها وجودی است که جامع همه مراتب عینی و مثالی و حسی است و تمام عوالم غیب و شهادت و هر چه در آنها است، در وجود انسان پیچیده و نهان است. (شرح دعای سحر، ص ۱۵)

۱۹- انسان تا منزل حیوانیت با سایر حیوانات هم قدم است و از این منزل دو راه در پیش دارد که با قدم اختیار باید طی کند، یکی منزل سعادت که صراط مستقیم رب‌العالمین است و یکی راه شقاوت که طریق شیطان است. (آداب نماز، ص ۲۶۵)

۲۰- باطن ذات انسان محفوف است به چیزهایی که تمام هدایت‌ها و انحرافات از آن سرچشمه می‌گیرد. (صحیفهٔ امام، ۱۳۷۹، ج ۱۸، ص ۱۳۴)

ویژگی‌های مذکور نشان می‌دهند که امام خمینی، جامعترین دیدگاه را دربارهٔ انسان داشته‌اند که با هیچکدام از مکاتب روانشناسی قابل مقایسه نیست. مکاتب روانشناسی، براساس دیدگاه



□ انسان تنها وجودی است که جامع همه مراتب عینی و مثالی و حسی است و تمام عوالم غیب و شهادت و هرچه در آنهاست در وجود انسان پیچیده و نهان است

□ امام خمینی جامعترین دیدگاه را درباره انسان داشته‌اند که هیچکدام از مکاتب روانشناسی با آن قابل مقایسه نیست

محدود خود از انسان، الگو یا مدلی را ساخته‌اند و به ریشه‌یابی مشکلات روانی انسان از همان دیدگاه محدود، پرداخته و راه‌حلهایی را نیز ارائه کرده‌اند که تنها در همان محدوده می‌تواند مؤثر باشد. در روانشناسی اسلامی، باید براساس نگرشی که نسبت به انسان وجود دارد، الگو یا مدلی ساخته شود که براساس آن بتوان به ریشه‌یابی مشکلات روانی انسان امروز پرداخت و در نهایت بتواند منجر به ارائه راه‌حل‌های کاربردی برای چاره‌جویی مشکلات روانی شود و در تجربه نشان داده شود که میزان اثربخشی آن در درمان مشکلات روانی در مقایسه با الگوهای رایج روانشناسی چقدر است.

مبانی غیبی

اعتقاد به مبانی غیبی، مهمترین مشخصه روانشناسی اسلامی و وجه تمایز آن از روانشناسی غربی است. فرازهای زیر، برخی از نقطه نظرهای امام خمینی را درباره مبانی غیبی روشن می‌کند:

۱- اگر ما ماورای این عالم را اعتقاد داشته باشیم، باید شکر کنیم که در راه خدا کشته

بشویم، کسی باید ترس داشته باشد که غیر این عالم جایی ندارد. (صحیفه امام، ج ۱، ص ۲۹۳)

۲- مگر می‌شود کسی به مبادی غیبی اعتقاد نداشته باشد و در فکر مردم باشد؟ (صحیفه امام،

ج ۳، ص ۳۰۴)

۳- تا آن نقطه اصلی که نقطه اتکا است نباشد، بشر هرج و مرج می کند و موجب تباهی می شود. انسان اگر سرخود باشد، متعدی است. آن که انسان را به راه می آورد و کنترل می کند، اعتقاد به یک مبدأ و معاد است. چنین اعتقاد است که می تواند انسان را باز دارد از این که در خلوت هم هیچکس نباشد، خلاف نکند. (صحیفه امام، ج ۴، ص ۴۰۲)

۴- درس خواندن بخودی خود انسان را در جندالهی وارد نمی کند. علم تنها انسان را به مراتب انسانیت نمی رساند. در کنار آن باید توجه به غیب باشد. (صحیفه امام، ج ۸، ص ۲۶۹)

سایر نکات

علاوه بر آنچه در فوق گفته شد توجه به نکات روانشناسی در آثار امام خمینی بسیار قابل توجه، جامع و فراگیر است (کلانتری، ۱۳۸۳) امام خمینی اولویت خاصی برای مسائل روانی قائل بوده اند و به طور مکرر مهمترین عامل را در انقلاب اسلامی ایران، تحول روانی مردم ذکر کرده اند. انواع اختلالات روانی مورد توجه ایشان بوده است. برخی از این اختلالات، مشترک با مباحثی است که امروزه در آسیب شناسی روانی مطرح می شوند، مانند اضطراب، افسردگی، ترس، وسواس و نظایر آن. برخی مباحث ویژه ای هستند که صرفاً از دیدگاه اسلامی مطرح می شوند: مانند حبّ نفس، عجب، تکبر، غرور، هوای نفس و نظایر آن. علاوه بر این، امام خمینی تنها به طرح اختلالات روانی بسنده نکرده و در بسیاری موارد راه حل های مشخصی ارائه کرده اند که از دیدگاه روانشناسی بسیار قابل توجه به نظر می رسند (کلانتری، ۱۳۸۳).

گذشته از اینها موضوعات دیگری نیز مانند نفس، قلب، روح و فطرت به کرات در آثار امام خمینی مطرح شده اند که می توانند بعنوان موضوعات روانشناسی اسلامی به طور جداگانه مورد بحث قرار گیرند.

نتیجه گیری

در این مقاله تلاش شده است به برخی از مبانی روانشناسی اسلامی از دیدگاه امام خمینی



□ اعتقاد به مبانی غیبی، مهمترین مشخصه روانشناسی اسلامی و وجه تمایز آن از روانشناسی غربی است

اشاره شود. به امید این که توجه پژوهشگران حوزوی و دانشگاهی به یکی از ابعاد مکتوم اندیشه‌های امام خمینی جلب شود و سر آغازی شود برای مطالعات پیگیر و سازمان یافته که در نهایت بتواند منجر به معرفی روانشناسی اسلامی از دیدگاه امام خمینی، با توجه به همه ابعاد آن شود.

همانگونه که ملاحظه شد امام خمینی تعریفی را از علم ارائه کرده‌اند که با دین پیوند داشته و انسان بتواند برای تکامل خود از دو بال علم و ایمان استفاده کند. از این رو می‌توان نتیجه گرفت که دین و روان با یکدیگر در هماهنگی هستند. دین راستین موجب تکامل روانی انسان می‌شود و نیاز به دین یکی از نیازهای اساسی روانی انسان زمان ما می‌باشد. بنابراین اسلام و روانشناسی نیز در تقابل با یکدیگر نیستند. روانشناسی اسلامی حقیقتی قابل تحقق است که بر مبنای پیش فرض‌های روشن و مدلل قرار دارد. از جمله این پیش فرض‌ها نگرش ویژه نسبت به انسان است که از همه نگرش‌های رایج در روانشناسی جامع‌تر و عمیق‌تر به نظر می‌رسد. پیش فرض اساسی دیگر که از جمله ویژگی‌های برجسته روانشناسی اسلامی از دیدگاه امام خمینی می‌باشد، اعتقاد به مبادی غیبی است که یکی از مهمترین ابعاد وجودی انسان را مطرح می‌کند و در بسیاری از مکاتب روانشناسی مورد غفلت قرار گرفته است. علاوه بر اینها نکات روانشناسی فراوان دیگری در آثار امام خمینی وجود دارند که لازم است مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گیرند تا بتوانند بعنوان مبانی روانشناسی اسلامی در نظر گرفته شوند و بنیان‌های نظری رویکرد جامعی را فراهم نمایند، به گونه‌ای که براساس این رویکرد بتوان علت بوجود آمدن و تداوم برخی از مشکلات روانی را

تبیین نمود و روشهای جدیدی برای پیشگیری و درمان آنها ارائه کرد، روش‌هایی که میزان اثر بخشی آنها با روشهای رایج به طور تجربی مقایسه شود و آخر اینکه اگر اخلاص و قصد قربت نباشد این علوم فایده‌ای ندارد و هر قدمی که برای تحصیل علم برمی‌دارید، قدمی هم برای تقویت قوای روحانی و کسب مکارم اخلاق بردارید. (امام خمینی، جهاد اکبر، ۱۳۷۴، ص ۷۰)

مأخذ:

- ۱- قرآن کریم
 - ۲- اتکینسون، ر، اتکینسون، ر. هیلگارد، زمینه روانشناسی، ترجمه نصرت الله پور افکاری، تهران: انتشارات رشد، چ اول، ۱۳۸۲، ج اول.
 - ۳- الیاده، میرچا، دین پژوهی. ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چ اول، ۱۳۷۵، ج اول (دفتر اول و دوم).
 - ۴- خمینی، روح‌الله. شرح حدیث «جنود عقل و جهل» تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(س)، چ اول، ۱۳۷۷.
 - ۵- خمینی، روح‌الله، آداب الصلوه، آداب نماز. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۳.
 - ۶- خمینی، روح‌الله، جهاد اکبر یا مبارزه با نفس، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چ چهارم، ۱۳۷۴.
 - ۷- خمینی، روح‌الله، شرح دعای سحر، ترجمه سید احمد فهری تهران: انتشارات اطلاعات، چ اول، ۱۳۷۳.
 - ۸- خمینی، روح‌الله، صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چ اول، ۱۳۷۹.
 - ۹- سادوک، بنیامین، سادوک، ویرجینیا، کاپلان و سادوک، خلاصه روانپزشکی، ترجمه حسن رفیعی، خسرو سبحانین، تهران: انتشارات ارجمند، چ اول، ۱۳۸۲.
 - ۱۰- کلانتری، مهرداد، طرح اندیشه اسلامی در روانشناسی بالینی، تهران: شورای پژوهش‌های علمی کشور، ۱۳۷۹.
 - ۱۱- کلانتری، مهرداد، بررسی نکات روانشناسی در آثار امام خمینی(گزارش طرح پژوهشی)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۳.
 - ۱۲- کیم، الف. بری، ج، روانشناسی بومی، ترجمه سعید پیرمردی، اصفهان: انتشارات همام. چ اول، ۱۳۸۳، جلد اول.
 - ۱۳- وست، ویلیام، روان درمانی و معنویت، ترجمه دکتر شهریار شهیدی. سلطانعلی شیرافکن، تهران: انتشارات رشد، چ اول، ۱۳۸۳.
 ۱۴. Badri, Malik(۲۰۰۶),The Islamization of Psychology Its “why”, its “what”, its “how” and its “who”.
 ۱۵. Davison, G. and Neale, J (۲۰۰۱).Abnormal psychology. New York: John Wiley.
 ۱۶. Hallami, B. and Argyle. M. (۱۹۹۷). The Psychology of Religious Behaviour, Belief and Experience. London: Routledge.
 ۱۷. Wulff, D.(۱۹۹۸). Psychology of Religion, Classic and Contemporary Views. New York: John Wiley.
- این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی مصوب مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی می‌باشد. بر این اساس نویسندگان مقاله بر خود فرض می‌دانند مراتب تقدیر و تشکر خود را از مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی به خاطر حمایت‌های بیدریغ‌شان اعلام نمایند.